

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری

دکتر فریده حمیدی* ✉

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل رشته‌های دبیری است. بدین منظور ۶۲ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری که در دانشکده علوم انسانی واحدهای تربیتی خود را می‌گذرانند، به تفکیک جنسیت و به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب، سپس آزمون‌های رضایت‌مندی زناشویی انریچ و هم‌چنین مقیاس بازنگری شده دلبستگی بزرگسال کولنیز و رید (۱۹۹۰) RAAS بر روی آن‌ها اجرا شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ...) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی توافقی، مجذور کا (X^2) و آزمون t برای مقایسه میانگین‌های مستقل) استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که: دانشجویان متأهل با سبک‌های دلبستگی ایمن، از رضایت‌مندی زناشویی بالاتری برخوردارند و برعکس یعنی دانشجویانی که از سبک‌های دلبستگی نا ایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردار بودند، میزان رضایت‌مندی زناشویی آنان نیز به‌طور معناداری کمتر از افراد ایمن بود. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی دانشجویان متأهل مؤنث با مذکر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، اگرچه زنان از سطح ایمنی بیشتری در روابط بین فردی و دلبستگی برخوردارند ولی تفاوت‌ها معنی‌دار نیست. از نتایج دیگر این پژوهش، نبودن تفاوت معنی‌داری بین رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان براساس جنسیت است. بررسی‌های قبلی در مورد رضایت‌مندی زناشویی نیز نشان می‌دهند که وضعیت جنس افراد، پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، رضایت‌مندی زناشویی، دانشجویان تربیت دبیر

* استادیار دانشگاه شهید رجایی

✉ نویسنده مسئول: تهران - لویزان - خیابان شهید شعبانلو - دانشگاه شهید رجایی - مرکز مشاوره

تلفن: ۰۲۱ - ۲۲۹۷۰۰۶۰ - ۹

دورنما: ۰۲۱ - ۲۲۹۷۰۰۳۳

پست الکترونیک: hamidi-f2001@yahoo.com

مقدمه

«سبک دلبستگی^۱» یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین‌فردی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است، در سنین بعدی ادامه می‌یابد (بالبی^۲، ۱۹۸۸ و ۱۹۷۳ و ۱۹۶۰). موضوع دلبستگی از زوایای مختلفی مورد پژوهش قرار گرفته است. برای نمونه هازن^۳ و شیور^۴، درباره دلبستگی و عشق رمانتیک (۱۹۸۷) و درباره دلبستگی و کار و حرفه (۱۹۹۰)، سیمپسون^۵ و همکاران درباره دلبستگی و اضطراب آزمایشگاهی (۱۹۹۰)، هرووتیز^۶ و همکاران درباره دلبستگی و مشکلات بین شخصی (۱۹۹۳) کوپک^۷ و هازن^۸ (۱۹۹۱) درباره دلبستگی و از دواج به پژوهش پرداخته‌اند.

سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می‌گذارد به همین دلیل تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده است. قبل از دهه هفتم قرن بیستم، تحقیقات انجام شده در خصوص خانواده، به‌طور عمده حول محور طلاق و اثرات روانی - اجتماعی آن بر اعضای خانواده متمرکز بود. ولی از این دهه به بعد، توجه محققان به مسئله نارضایتی از زندگی زناشویی و راه‌های افزایش احساس رضایت و شادکامی از زندگی مشترک معطوف شد. تحقیق حاضر به تعیین علل جدایی‌ها پس از وقوع آن‌ها نمی‌پردازد بلکه با مشخص کردن نحوه تأثیر رابطه دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی، کوشش می‌کند تا زمینه‌های روان‌شناختی را که به این رضایت‌مندی منتهی می‌شوند، شناسایی کند. با شناخت این زمینه‌ها، می‌توان در سطوح مختلف مداخله کرد. میزان ازدواج‌های با خطر بالا را کاهش داد، بر رضایت و شادکامی ازدواج‌های موجود افزود و از بعضی ناسازگاری‌ها پیشگیری به‌عمل آورد و از این طریق، از بسیاری از نابسامانی‌های خانوادگی که منجر به هدر رفتن نیروهای عظیم انسانی می‌شود جلوگیری کرد.

بررسی‌های قبلی رضایت‌مندی زناشویی به‌طور کل نشان می‌دهند که وضعیت جنس افراد، پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی نمی‌باشد (اسمیت^۹، ۱۹۸۵؛ به‌نقل از تابع بردبار، ۱۳۸۳). برای نمونه اسمیت دریافت که بین رضایت‌مندی زناشویی گروه‌های زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. با وجود این، فاورز^{۱۱} (۱۹۹۱) در بررسی رضایت‌مندی زناشویی مشاهده کرد که مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده، دوستان و شخصیت همسر خود مثبت‌تر گزارش کرده‌اند (همان منبع).

در پژوهش دیگری با عنوان «رابطه بین دلبستگی و روش‌های حل تعارض و رضایت زناشویی» (فینی^{۱۲}، ۱۹۹۹) ایمنی دلبستگی با رضایت زناشویی زوجین همبستگی مثبت داشت. هم‌چنین مذاکره دو جانبه درباره حل تعارض‌ها، مهم‌ترین عامل واحدی بود که رضایت ازدواج را برای زنان و مردان پیش‌بینی می‌کرد. در این پژوهش، در رابطه بین دلبستگی ایمن و رضایت

زناشویی، الگوهای ارتباطی فقط برای زنان، متغیر واسطه^{۱۳} (میانجی) بود. برای مردان الگوهای ارتباطی تنها به‌طور جزئی واسطه بین دلبستگی ایمن با رضایت از ازدواج بود و اضطراب درباره روابط، تفاوت در رضایت زناشویی را توجیه می‌کرد. فاتحی‌زاده و احمدی (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایت‌مندی زناشویی» که بر روی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان انجام دادند، نتیجه گرفتند که در هر دو گروه زنان و مردان همبستگی بیشتر بین رابطه سازنده متقابل و رضایت‌مندی، هم‌چنین همبستگی بین رضایت‌مندی زناشویی و ارتباط اجتنابی متقابل منفی است.

رضازاده (۱۳۸۱) در پژوهشی «۱۳۳ رابطه سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان» را بررسی کرد. یافته‌های این پژوهش در گستره دلبستگی، همخوانی بین سبک‌های دلبستگی زوجین را تأیید نمود. هم‌چنین تفاوت همسازی زناشویی زوج‌های دلبسته ایمن در مقایسه با زوج‌های نایمن (با استفاده از آزمون t مستقل) در ۳ مقیاس از مقیاس‌های آزمون همسازی در سطح $(X < 0/01)$ مشاهده شد ولی در ۹ مقیاس دیگر تفاوت بین دو گروه از لحاظ آماری معنی‌دار نبود. در نمره کل مقیاس‌ها، تفاوت همسازی زوج‌های ایمن در مقایسه با نایمن فقط در سطح $(X < 0/01)$ معنی‌دار بود. تفاوت همسازی در زوجین نایمن و زوج‌های مختلط (یکی ایمن و دیگر نایمن) از نظر آماری معنی‌دار نبود.

سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی» که بر روی ۵۰ زوج مراجعه‌کننده به مراکز خدمات مشاوره‌ای انجام شد، نشان دادند که افزایش صمیمیت و لذت در تعاملات زوجین می‌تواند موجب رضایت بیشتر از روابط زناشویی گردد و تعهد به تنهایی موجب بروز رضایت زناشویی نمی‌شود. کامکار و جباریان (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی را بر ۳۰ زن متأهل که به قصد طلاق و جدایی به مراجع ذریبط مراجعه کرده بودند، بررسی نمودند و نشان دادند که ۵۷٪ اختلال در روابط زناشویی به دلیل اختلال در روابط عاطفی و صمیمی بین زوجین بوده است. هم‌چنین در پژوهشی طولی تحت عنوان «پیش‌بینی کننده‌های سازگاری زناشویی زوج‌های جوان چهار سال پس از ازدواج» نشان داده شد که عوامل «نارسا کنش‌وری شوهران» به‌صورت منفی و «زنانگی مردان» و «زنانگی زنان» هر دو به‌صورت مثبت، به‌طور معناداری سازگاری زناشویی مردان را چهار سال بعد از اندازه‌گیری اولیه، پیش‌بینی می‌کردند. این در حالی است که «اضطراب مردان» و «افسردگی زنان» هر دو به‌صورت منفی، و عوامل «افسردگی مردان» و «زنانگی زنان» (هر دو به‌صورت مثبت) به‌طور معنادار سازگاری زنان را در چهار سال بعد پیش‌بینی می‌کردند.

در پژوهش حاضر نیز ضمن بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل رشته‌های دبیری، معنی‌داری تفاوت‌های سبک‌های دلبستگی و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک جنسیت بررسی می‌شود.

روش

طرح کلی پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی است، اما از آن‌جا که بررسی مقایسه‌ای سبک‌های دلبستگی و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک جنسیت در دانشجویان نیز مورد نظر بود، از این‌رو طرح علی - مقایسه‌ای نیز محسوب می‌شود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان متأهلی تشکیل می‌دهد که در دانشکده علوم انسانی در سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳ مشغول تحصیل بودند. ۶۲ نفر از این دانشجویان (۳۳ نفر مؤنث و ۲۹ نفر مذکر) به روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. تعداد مذکور در حدود نیمی از افراد جامعه واجدالشرایط بودند که به‌صورت داوطلبانه با پژوهشگر همکاری نمودند.

ابزارهای پژوهش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از دو پرسشنامه زیر استفاده شد:

پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی انریچ ۱۴: فرم اصلی این پرسشنامه از ۱۱۵ سؤال بسته و ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده است که به غیر از مقیاس اول آن که ۵ سؤال دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. پاسخ به سؤالات به‌صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق - موافق - نه موافق و نه مخالف - مخالف - کاملاً مخالف) است. اولسون^{۱۵} (۱۹۸۳) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده، معتقد است که هر یک از موضوع‌های این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوجها را بیان کند یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آن‌ها را تعیین کند. فرم اصلی با توجه به زیاد بودن سؤال‌های پرسشنامه موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی‌ها می‌شد، بنابراین سلیمان‌نژاد (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تفکر غیرمنطقی در نارضایتی زناشویی» فرم کوتاهی از این پرسشنامه تهیه کرد که دارای ۴۷ سؤال است. نمره بالا در این پرسشنامه نشانه رضایت و نمره پایین نشانه نارضایتی از رابطه زناشویی است. اولسون و همکاران (۱۹۸۳) پایایی

پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش کردند. سلیمانیان (۱۳۷۶) و عبادت‌پور (۱۳۷۹) پایایی پرسشنامه را در فرم کوتاه از طریق محاسبه ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید^{۱۶} (۱۹۹۰): این پرسشنامه شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است. مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت برای هر ماده (از ۱= اصلاً ویژگی من نیست تا ۵= کاملاً ویژگی من است) سنجیده می‌شود. تحلیل عوامل، ۳ خرده‌مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد. کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازن و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس (A) با دلبستگی نایمن دوسوگرا (AM) مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولر، ۱۹۹۲). بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی (S) می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی (AV) قرار داد.

کولینز و رید (۱۹۹۰، به نقل از فینی و نولر، ۱۹۹۶) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به این‌که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد بدست آمده بالا است. در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا بر روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی نتایج حاصل از دوبر اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک‌ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها S, D, A در RAAS معنادار نبوده است و این آزمون در سطح ۰/۹۵ قابل اعتماد است. اما با توجه به همبستگی بین نتایج دو اجرا، زیر مقیاس A قابل اعتمادترین ($r=0/75$) است و در درجه بعدی زیر مقیاس C ($r=0/57$) و D کمترین میزان قابلیت اعتماد را در بین این سه زیر مقیاس دارا بود ($r=0/47$). از سوی دیگر با محاسبه آلفای کرونباخ مشخص گردید که زیر مقیاس اضطراب (A) بیشترین قابلیت اعتماد (۰/۷۴) و وابستگی (D) کمترین قابلیت اعتماد (۰/۲۸) را دارد و قابلیت اعتماد زیرمقیاس نزدیک بودن در حد متوسط (۰/۵۲) است که نتایج با بررسی از طریق بازآزمایی هماهنگ بود (حمیدی به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۲).

یافته‌ها

به منظور بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل، رضایت‌مندی زناشویی به دو گروه نمرات کمتر و بیشتر از میانگین طبقه‌بندی شد. نتایج مجذور کای

انجام شده در جدول ۱ آمده است. از ضریب همبستگی توافقی استفاده شد. ضریب توافقی ارتباط نزدیکی با مجذور فی دارد و محاسبه آن با استفاده از جدول توافقی پس از محاسبه مجذور فی امکان‌پذیر است (دلاور، ۱۳۷۴).

جدول ۱: نتایج حاصل از همبستگی سبک‌های دلبستگی با

رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل

جمع	سبک دلبستگی		
	دلبستگی ناایمن	دلبستگی ایمن	
۲۶ ۲۶/۰	۶ ۲/۹	۲۰ ۲۳/۱	فراوانی مشاهده شده کمتر از میانگین رضایت‌مندی زناشویی فراوانی مورد انتظار
۳۶ ۳۶/۰	۱ ۴/۱	۳۵ ۳۱/۹	فراوانی مشاهده شده بیشتر از میانگین فراوانی مورد انتظار
۶۲ ۶۲/۰	۷ ۷/۰	۵۵ ۵۵/۰	فراوانی مشاهده شده جمع فراوانی مورد انتظار

با توجه به این که χ^2 بدست آمده ($\chi^2=۶/۳۷$, $df=۱$, $P<۰/۰۵$) از مقدار متناظر در جدول (۳/۸۴) بیشتر است پس فرض صفر رد می‌شود. یعنی بین سبک‌های دلبستگی در دانشجویان متأهل و رضایت‌مندی زناشویی آن‌ها رابطه وجود دارد. تفاوت سبک دلبستگی در زنان و مردان با استفاده از مجذور کای مورد بررسی قرار گرفت. نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج حاصل از مقایسه سبک‌های دلبستگی دانشجویان به تفکیک جنسیت

جمع	سبک دلبستگی		
	دلبستگی ناایمن	دلبستگی ایمن	
۳۳ ۳۳/۰	۳ ۳/۷	۳۰ ۲۹/۳	فراوانی مشاهده شده زن جنسیت فراوانی مورد انتظار
۲۹ ۲۹/۰	۴ ۳/۳	۲۵ ۲۵/۷	فراوانی مشاهده شده مرد فراوانی مورد انتظار
۶۲ ۶۲/۰	۷ ۷/۰	۵۵ ۵۵/۰	فراوانی مشاهده شده جمع فراوانی مورد انتظار

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار مجذور کا مشاهده شده در جدول فوق ($P < 0/05$ ، $df=1$)، $X^2=0/32$ از متناظر در جدول ($3/84$) کمتر است پس فرض صفر رد نمی‌شود. یعنی بین دو گروه زنان و مردان از نظر سبک‌های دلبستگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

میانگین رضایت‌مندی زناشویی مردان و زنان با آزمون t مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌های نمرات آزمودنی‌ها در آزمون رضایت‌مندی زناشویی

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	t	سطح معناداری دو دامنه
زن	۳۳	۱۷۱/۱۵	۳۴/۸۹	۶۰	۱/۶۴	۰/۱۰۶
مرد	۲۹	۱۸۳/۸۳	۲۴/۰۴			

با توجه به مقدار t محاسبه شده در جدول فوق ($P < 0/05$ ، $df=60$ ، $t=1/64$)، سطح معنی‌داری بدست آمده ۰/۱۰۶ بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد نمی‌شود. به عبارت دیگر تفاوت معناداری در مورد رضایت‌مندی زناشویی بین دانشجویان زن و مرد وجود ندارد. میانگین رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان با سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن با آزمون t مقایسه شد. نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌های نمرات آزمودنی‌های ایمن و نایمن در نمرات رضایت‌مندی زناشویی

سبک دلبستگی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	t	سطح معناداری دو دامنه
ایمن	۵۵	۱۸۰/۹۳	۲۸/۵۲	۶۰	۲/۹۲	۰/۰۰۵
نایمن	۷	۱۴۶/۸۶	۳۲/۹۲			

با توجه به مقدار t محاسبه شده در جدول فوق ($P > 0/05$ ، $df=60$ ، $t=2/92$)، سطح معنی‌داری بدست آمده ۰/۰۰۵ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت معناداری در مورد رضایت‌مندی زناشویی بین دانشجویان با سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی نایمن وجود دارد و رضایت‌مندی در دانشجویان با سبک دلبستگی ایمن با توجه به میانگین رضایت‌مندی بیشتر است.

بحث

همان‌طور که در بخش نتایج ملاحظه کردید، فرضیه وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین سبک‌های دلبستگی و رضایت‌مندی زناشویی مورد تأیید قرار گرفت. این مسئله بدین معناست که دانشجویان متأهل با سبک‌های دلبستگی ایمن، از رضایت‌مندی زناشویی بالاتری برخوردارند و برعکس دانشجویانی که از سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا برخوردار بودند، میزان رضایت‌مندی زناشویی آنان نیز به‌طور معناداری کمتر از افراد ایمن بود. اگرچه در بیشتر پژوهش‌ها به وجود رابطه مثبت بین سبک دلبستگی با رضایت زناشویی (مثلاً کوبک و هازن، ۱۹۹۱؛ سن چاک و لئونارد، ۱۹۹۲؛ فینی، ۱۹۹۴؛ به‌نقل از فینی، ۱۹۹۹ و مظاهری، ۱۳۷۹) اشاره شده است، اما باز هم تمامی یافته‌ها در این جهت نیستند؛ برای مثال در پژوهش کوهن و همکاران (۱۹۹۲)؛ به‌نقل از کولین^{۱۷}، (۱۹۹۶) برخلاف انتظار مشاهده شد که نمرات زنان و مردان در پرسشنامه رضایت زناشویی، با دلبستگی مرتبط نبود. این پژوهش بر روی ۲۷ زوجی که در اواخر دهه سوم یا اوایل دهه چهارم زندگی بوده و همه دارای فرزند بودند، انجام شد. نتایج حاکی از این بود که ۲۰ نفر از شوهران (۷۴٪) و ۱۴ نفر از زنان (۵۲٪) به‌عنوان ایمن طبقه‌بندی شدند اما برخلاف انتظار نمرات زنان در پرسشنامه همسازی زناشویی، با نوع دلبستگی آن‌ها مرتبط نبود. به‌عبارت دیگر محققان به‌صورت نظری، فرضیه «کوبک» و «هازن» را تأیید و پیشنهاد کردند که پیوند بین سبک دلبستگی و رضایت از رابطه، ممکن است تا حدودی از شیوه‌های ارتباط گروه‌های دارای سبک دلبستگی متفاوت ناشی شود. به این صورت که در ایجاد پیوند بین دلبستگی و رضایت از رابطه، الگوهای ارتباطی ممکن است به‌عنوان متغیر واسطه عمل کنند. اما مؤلفان اذعان می‌کنند که در عمل یافته‌های آنان از این فرضیه حمایت نکردند. بلکه این نکته را برجسته ساخته‌اند که دست‌کم در اوایل ازدواج، دلبستگی ارتباط، تأثیرات مستقلی بر رضایت خاطر زوجین از ازدواج دارد.

در پژوهش دیگری نیز با عنوان «رابطه بین دلبستگی و روش‌های حل تعارض و رضایت زناشویی (فینی، ۱۹۹۴)، ایمنی دلبستگی با رضایت زناشویی زوجین همبستگی مثبت داشت. هم‌چنین مذاکره دو جانبه درباره حل تعارض‌ها، مهم‌ترین عامل واحدی بود که رضایت ازدواج را برای زنان و مردان پیش‌بینی می‌کرد. در این پژوهش، در رابطه بین دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی، الگوهای ارتباطی فقط برای زنان متغیر واسطه (میانجی) بود. برای مردان الگوهای ارتباطی تنها به‌طور جزئی واسطه بین دلبستگی ایمن با رضایت از ازدواج بود و اضطراب درباره روابط، تفاوت در رضایت زناشویی را توجیه می‌کرد. خلاصه نتایج تحقیقاتی که به بررسی تأثیر سبک دلبستگی فرد و همسر بر کیفیت رابطه زناشویی شده، به این شرح است که در وهله نخست، کیفیت روابط بهتر و رضایت‌مندی زناشویی بالاتر به‌وسیله همسرانی گزارش می‌شود که

هر دو دارای دلبستگی ایمن‌اند؛ در مرتبه بعد، توسط زوج‌هایی گزارش می‌شود که یکی از آن‌ها دارای دلبستگی ایمن است. این یافته‌ها سؤال دیگری را مطرح می‌کند که آیا سبک‌های دلبستگی افراد و همسران آن‌ها برای پیش‌بینی کیفیت روابط با یکدیگر تعامل دارد؟ به عبارت دیگر، آیا تأثیر سبک دلبستگی همسر فرد، وابسته به نوع سبک دلبستگی خود فرد است؟ بررسی‌هایی که به این مباحث می‌پردازند، نمونه‌هایی از تحقیقات پیشرفته در زمینه دلبستگی افراد بزرگسال است. در پژوهش فیینی در تمام موارد، رضایت از زندگی زناشویی به ابعاد دلبستگی خود فرد و همسر وی ارتباط داشت (اثرات اصلی). همچنین اثرات تعاملی به زوج‌هایی محدود می‌شد که به مدت ۱۰ سال یا کمتر از آن ازدواج کرده بودند. برای این زوج‌ها، اضطراب زنان (درباره ترک شدن) و راحتی مردان (درباره نزدیک شدن) توأم با یکدیگر، بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذاشت. همچنین اضطراب زنان همراه با عدم رضایت زنان و شوهرانشان از زندگی زناشویی، فقط در زوج‌هایی مشاهده شد که سطح احساس راحتی در شوهر پایین بود. برعکس اضطراب شوهران با رضایت زناشویی کمتر برای هر دو زوج بدون توجه به احساس راحتی زن (یک اثر اصلی) پیوند می‌یافت. به نظر می‌رسد که در بیشتر ازدواج‌ها، رفتار وابسته شوهران مضطرب رفتاری مخرب است، چون چنین رفتاری احتمالاً برخلاف رفتار قالبی جنس مذکر به شمار می‌آید. در مقابل، رفتار وابسته و اضطرابی زنان به علت هماهنگ‌تر بودن با نقش قالبی آن‌ها دارای اثرات مخرب کمتری است، مگر آن‌که این زنان دارای شوهرانی باشند که نتوانند ایجاد صمیمیت کنند و در فراهم آوردن حمایت و دلگرمی مورد نیاز زنان با شکست مواجه شوند.

هم‌چنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی دانشجویان متأهل مؤنث با مذکر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد اگرچه زنان از سطح ایمنی بیشتری در روابط بین فردی و دلبستگی برخوردارند ولی تفاوت‌ها معنی‌دار نیست. مظاهری (۱۳۷۹) نیز در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی رابطه دلبستگی و کنش‌وری ازدواج» نشان می‌دهد که روابط بین سبک دلبستگی، ساختار خانواده و سازگاری زناشویی برای زنان قوی‌تر از مردان است.

از نتایج دیگر این پژوهش، نبودن تفاوت معنی‌دار بین رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان براساس جنسیت است. بررسی‌های قبلی رضایت‌مندی زناشویی به‌طور کل نشان می‌دهد که وضعیت جنس افراد، پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی نمی‌باشد (تابع بردبار، ۱۳۸۳). با وجود این، فاورز (۱۹۹۱) در بررسی رضایت‌مندی زناشویی مشاهده کرد که مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده، دوستان و شخصیت همسر خود مثبت‌تر گزارش نمودند (به‌نقل از رضازاده، ۱۳۸۱).

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------|------------------------------------|
| 1. Attachment Style | 11. Fowers, B. J. |
| 2. Bowlby, J. | 12. Feeny, J. A. |
| 3. Hazan, C. | 13. Mediated |
| 4. Shaver, P. | 14. ENRICH |
| 5. Simpson, J.A | 15. Olson, D. |
| 6. Horowitz, L. | 16. Reviscd Adult Attachment Scale |
| 7. Kobak, R. | 17. Colin, V. L. |
| 8. Hazan, C. | |
| 9. Ellis, A. | |
| 10. Smith | |

منابع

- بشارت، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور. *فصلنامه تازه‌های روان درمانی*، سال پنجم، شماره ۱۹ و ۲۰، ۵۵-۶۶.
- تابع بردبار، ف. (۱۳۸۳). *بررسی مقایسه‌ای رضایت زناشویی در میان دانشجویان دختر و پسر متأهل ساکن در خوابگاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۲). *بررسی ساخت خانواده و سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده‌درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- دلاور، ع. (۱۳۷۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- رضازاده، م. (۱۳۸۱). *مهارت‌های ارتباطی و همسازی زناشویی*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۹۷-۱۰۱.
- سپاه‌منصور، م؛ مظاهری، م. (۱۳۸۵). *مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی*. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص ۲۱۷.
- سلیمانیان، ع. (۱۳۷۶). *بررسی تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- عبادت‌پور، م. (۱۳۷۹). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۹ - ۱۳۷۸*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- فاتیحی‌زاده، م؛ احمدی، ا. (۱۳۸۴). *بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایت‌مندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان*. *خانواده‌پژوهی*، سال اول، شماره ۲، ۱۰۹-۱۱۹.
- کامکار، م؛ جباریان، ش. (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی*. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص ۳۱۱.
- مظاهری، م. (۱۳۷۹). *نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج*. *روان‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۲۸۶-۳۱۸.
- مظاهری، م؛ حیدری، م؛ پوراعتماد، ح. (۱۳۸۵). *پیش‌بینی‌کننده‌های سازگاری زناشویی زوج‌های جوان چهار سال پس از ازدواج*. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص ۳۳۶.

Bowlby, J. (1988b). *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. London: Routledge.

- Colin, V. L. (1996). *Human attachment*. The Mc Graw – Hill Companies, Inc.
- Coolins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment working models and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.
- Ellis, A. (1987). *The practice of rational emotive therapy*. New york: spring.
- Feeney, J. A. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.) *Handbook of attachment theory, research, and clinical applications*. London: The Guilford Press.
- Feeney, J. A. & Noller, P. (1991). Attachment style and verbal descriptions of romantic partners. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9, 187-215
- Feeney, J. A., Noller, P. & Callan, V. J. (1994). Attachment style, communication, and satisfaction in the early years of marriage. *Advanced in Personal Relationship*, 5, 269-308.
- Hazan, C., & shaver, P. R. (1990). Love and work: An attachment theoretical perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(2), 220-280.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E. & Bartholomew, K. (1993). Interpersonal problems, attachment styles, and outcome in brief dynamic psychotherapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(4), 549-560.
- Kobak, R. R., & Seery, A. (1988). Attachment in late adolescence: Working models, affect regulation, and representations of self and others. *Child Development*, 59, 135-146.
- Mikulincer, M. (1998). Attachment working models and the sense of trust: An exploration of interaction goals and affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1209-1224.
- Olson, D. (1983). Circumflex model of marital and family systems: VI. theoretical update. *Family Process*, 22, 69-83.
- Simpson, J. A. Rholes, W. S. & Nelligan, J. S. (1992). Support seeking and support giving with in coples in an anxiety provoking situation: The role of attachment styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(3), 434-446.
- Whitaker, D. J., Steven, R., Beach, J. & Page, L. (1999). *Attachment and expectation about future relationships: Moderation by accessibility of personalships*. U.S.A.: University of Georgia.

